



دور تا دور دنیا

تعمیراتی نامہ

۱۴

پکرزین

مہاجرین میدان سیرد

در جنگ بوئے

ماتع وینے یک

تینوش نظام جو

- سرشناسه: ویسنيک، ماتئی Matèi Vismic
 عنوان و نام پدیدآور: زن همچون میدان نبرد یا پیکر زن همچون میدان
 نبرد در جنگ بوسنی / ماتئی ویسنيک؛ ترجمه تینوش
 نظلم جو؛ با همکاری مهشاد مخبري.
 مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.
 مشخصات ظاهري: ۱۲۲ ص.
 نوبت چاپ: چاپ ششم، ۱۳۹۵.
 شابک: 978-964-312-942-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: **La Femme comme champ de Bataille dans la guerre de Bosnie**
 موضوع: نمایشنامه فرانسه - قرن ۲۰ م.
 شناسه افزوده: نظم جو، تینوش. ۱۳۵۳ - مترجم.
 رده‌بندی کنگره: PQ ۲۶۸۴ / ی ۵۴ ز ۹ ۱۳۸۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۹۷۸۶

پیش‌گفتار

می‌نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ چشم از خواب گشود
می‌نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ از گرد راه رسید

من از فراز یازده سالگی
سرگشته نگاه می‌کردم
به سربازکانی فرسوده
که به یاد می‌آوردند
که من از بلژیکم

مردها مرد می‌شدند
ایستگاه‌ها می‌بلعیدند
سربازان متظاهر به نرفتن را

و زنان
و زنان آویخته مردان می شدند

می نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ چشم از خواب گشود
می نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ از گرد راه رسید

و این است بهاری که آتش می گیرد
توپها آوازخوان می گذشتند
و بلافاصله باز می گشتند
با سر افکنده میان دو پا

همان گونه که باز می گشتند گریان
برادران مان که پیر شده بودند
پدران مان که مه شده بودند

و زنان
زنان آویخته طفلان می شدند

می نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ چشم از خواب گشود

می‌نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ از گرد راه رسید

و من دریافتم پناهنده کیست
ده‌نشینی خانه‌به‌دوش شده
حومه‌نشینی پا به فرار
از شهری بی‌دفاع که در بند شده

و من دریافتم بازنده کیست
مسلحی خلع سلاح شده
که پای پیاده باز می‌گردد

و زنان
زنان آویخته‌اشک‌ها می‌شدند

می‌نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ چشم از خواب گشود
می‌نواختند چنین آوایی
در آن دم که جنگ از گرد راه رسید

از آسمانی آبی‌تر از همیشه
ماه می‌۴۰ آغوش گشود

به صفوف آلمانی‌هایی
که لگدمال می‌کردند
بلژیکی‌بودنم را

شرافت صبر از کف داد
و هر ده به خود لرزید
و هر شهر خاموش شد

و زنان
زنان آویخته به خاموشی شدند

ژاک برل (می ۴۰)

تینوش نظم‌جو - مهشاد مخبری

300book

شخصیت‌ها

Dorra (با لهجهٔ زبان‌های اروپای شرقی سخن می‌گوید)

Kate (با لهجهٔ انگلیسی سخن می‌گوید)

نمایش «زن همچون میدان نبرد» برای اولین بار در ایران در جشنواره
فجر ۱۳۸۴ توسط گروه اوتوپیا به کارگردانی تینوش نظم‌جو و
بازیگری مهشاد مخبری و فریبا کامران اجرا شد.

صحنه نخست

کیت بخش‌هایی از یادداشت‌های روزانه‌اش را می‌خواند.

کیت در جنگ میان نژادها، پیکر زن میدان نبرد می‌شود. ما این پدیده را در اواخر قرن بیستم در اروپا مشاهده کردیم. آلت جنگجوی جدید همچون تیغ شمشیر شوالیه عصر قدیم که با خون دشمن آمیخته می‌شد امروز در شیون زن‌های تجاوز شده فرو می‌رود.

بکشیم تا از مفاهیم روان‌کاوی برای کالبدشکافی فاجعه بهره بگیریم. شاید اگر خشونت میان‌نژادی را به زبان روان‌کاوی فروید برگردانیم بتوانیم آن را بیش‌تر درک کنیم. برخی از مفاهیم که از دنیای تکانه‌ها می‌آیند، می‌توانند



نشری



«پیش‌تر ضرورت نوشتن برای من، نه گفتن بود به دنیایی که در آن زندگی می‌کردم. حالا برای من ضرورت نوشتن دربارهٔ رابطه‌های مشکوکی است که انسان با آسمان و مرگ و اخلاقیات و عشق و تنهایی در زندگی‌اش دارد.»

دوره: کشور من تصویر به تصویر می‌بردی (دوره که در صف پناهنده‌ها بیرون می‌آید و برای این که حس کنی رود که روی علق‌ها دراز می‌کشی، روی علق‌هایی که توش به مین ضدنفخ خاک شده، کشور من تنه اون مادریه که می‌بینی اونفورم پسرش به دگمه کم داره، با عجله دگمه رو می‌دوزه و بعدش پسرش رو خاک می‌کنه.

کشور من تصویر یکی از رایج‌ترین فحش‌ها رو داره: ای لامصب بدمصب سگ مصب!